

تبیین ضرورت تقویت بینش اجتماعی حوزه علمیه قم و ارائه راهکارهایی برای تحقق این امر

حوزه علمیه قم ومواجهه با امر اجتماعی

سیدمصطفی موسوی

پژوهشگر هسته مکتب امام خمینی(ره) مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

حوزه علمیه قم در طلیعه یکصدمین سالگرد تأسیس خویش از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی پیامی تاریخی را دریافت کرد. یکی از مهم‌ترین نقاط پیام را در توجه به امر اجتماعی و تعامل حوزه با جامعه می‌توان شناسایی کرد. تقویت بینش اجتماعی یکی از لوازم تعامل حوزه با جامعه است. نگاشت حاضر تلاش می‌کند راهکارهای تقویت بینش اجتماعی در حوزه علمیه را روایت کند.

■ ■ ■

حوزه علمیه قم روزهایی تاریخی را سپری می‌کند. یکصد سال از تأسیس این نهاد مبارک به دستستان فقیهی بزرگ و پرهیزکار و مجزّب^۱ می‌گذرد. بر حرم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، بنیان‌گذار این شجره طیبه، نهادی را پایه‌گذاری کرد که سر منشأ یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات تاریخ بشر را رقم زد. حوزه علمیه قم در این دوران حوادث و رخ داده‌های گوناگونی را تجربه کرده است که به مثابه یک تجربه گرانسنگ در مقابل دیدگان این نهاد مبارک قرار دارد. تحول و حرکتی که از جانب سستاره درخشان حوزه علمیه قم، حضرت امام خمینی(ره) در جامعه ایران ایجاد شد و انقلاب اسلامی را شکل داد، سر منشأ آن بسیج طلاب و روحانیونی بود که در همین حوزه علمیه قم توسط ایشان آگاه شده و به حرکت در آمدند. حوزه علمیه قم در اولین گام خویش، با امتحانات و ابتلاناتی مواجه شد، اما با هدایت و رهبری زعمای خویش و در رأس ایشان امام خمینی(ره)، سر آمد و پیشروی دوران خویش و زمینه‌ساز انقلاب اسلامی ایران شد. امام امت در پیام تاریخی خویش که با عنوان منشور روحانیت شناخته می‌شود، با توجه به سرآمد بودن و پیشرو بودن حوزه علمیه و قشر روحانیت در تمامی حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی، گویا در گام اول انقلاب، به طراحی گام دوم حوزه علمیه پرداختند. علت پرداختن به واژه گام دوم حوزه نسبت به گام اول انقلاب آن است که حوزه علمیه همچنان که در حوادث انقلاب اسلامی یک گام نسبت به حوادث و رخ دادهای پیرامون خویش پیش‌تاز بود، در ایام استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز بایستی این پیشتازی را حفظ کند.

اکنون در طلیعه یکصدمین سالگرد تأسیس حوزه علمیه قم و تقارن این امر مبارک با گام دوم انقلاب اسلامی، پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به حوزه علمیه قم را به‌نوعی می‌توان امتداد منشور روحانیت امام‌را حل(ره) دانست.^۲ گویا رهبر معظم انقلاب در این پیام مسیر گام سوم حوزه علمیه قم را طراحی و ترسیم کرده‌اند.

حوزه‌ای که به تعبیر ایشان بایستی «سرآمد و پیشرو» باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با آشنایی زدایی از مفهوم حوزه علمیه و توصیف این نهاد به «مجموعه‌ای از علم، و تربیت، و کارکردهای اجتماعی و سیاسی»^۳، انتظارات خویش از این نهاد مقدس را در ۵ محور مهم بیان کرده‌اند. این نگاشت قصد دارد به یکی از مهم‌ترین لوازم تحقق انتظارات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از حوزه علمیه قم بپردازد.

دورانی که تمدن غرب با غلبه ایده «نسبی‌گرایی»^۴ در نظر و «فردگرایی»^۵ عمل بر جهان امروز حکمرانی می‌کند. اگر اندیشه و عملی بخواهد در مقابل این تمدن صفا آراییی کند، علاوه بر تمرکز بر کاستی‌های موجود، راهکار ایجابیی نیز بایستی ارائه کند. پیوند نسبی‌گرایی و فردگرایی، میوه ایده جدایی دین از عرصه زندگی بود. ایده‌ای که ریشه در مسیحیت تحریف شده داشت.^۶ همین مسئله زمینه را برای حاکم کردن عقل خودبنیاد بشری بر تنظیم روابط فردی و اجتماعی فراهم کرد؛ چراکه اگر دین در عرصه اجتماعی قدرت ظهور و بروز نداشته باشد، آهسته‌آهسته

و به دلیل ارزش‌های اجتماعی که مبتنی بر این عقل خودبنیاد پدیدآمده است، باعث می‌شود تا نیاز به تدبیر امر قدسی در زندگی فردی کم‌رنگ شود. نتیجه این امر باعث بی‌اثر شدن دین در تدبیر زندگی فردی شده و صرفاً دین جنبه مناسکی پیدا کرده و حتی قدرت تدبیر زندگی فردی پیرون خویش را هم نخواهد داشت. این جریان هر نوع عقیده‌ای که در تقابل با عقل خودبنیاد بشری در تدبیر زندگی فردی و اجتماعی افراد را داشته باشد به‌شدت نفی می‌کند. نهاد دین از همان ابتدای بحث‌انیا به مقابله با همین نگاه پرداخته است. توجه قرآن به افرادی که هوای نفس خود را خداوندگار خویش قرار داده‌اند،^۷ به ریشه‌های همین مسئله اشاره می‌کند. مسئله اصلی انبیای الهی در دعوت‌های خویش نیز دعوت به عبودیت خداوند و نفی هر آنچه غیر خدا است،^۸ بوده است. عبادت و پرستش غیر خدا علاوهبر بعد فردی انسان‌ها در بعد اجتماعی نیز جاری و ساری بوده است و تعبیر قرآن کریم اشاره به این مسئله دارد که مخاطب دعوت انبیا نه افراد به صورت مجزا، بلکه جوامع انسانی بوده‌اند. بحث انبیا در میانه اقوام و جوامع نشان‌دهنده آن است که ساخت اجتماع و توجه به مسائل اجتماعی در زمره مسائل اولویت‌دار و فوری در مسیر دعوت ایشان بوده است.

حوزه علمیه قم، به‌عنوان نهادهی که میراث انبیا را به دوش می‌کشد،^۹ مسیری را باید طی کند که نشر معارف و احکام الهی را به جهت ارتقا و اصلاح جامعه پیرامون خویش انجام دهد. مسئله‌ای که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز با اشاره‌های متعددی نظیر «در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسان‌ها»^{۱۰} و «وظیفه «بالاغبین»»^{۱۱} «خطّ مقدّم جبهه تقابل با تهدیدهای دشمن»^{۱۲} و «مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظمات اجتماعی»^{۱۳} بر آن تأکید کرده و بیش از پیش به رسالت اجتماعی حوزه علمیه در طلیعه یکصدسالگی آن پرداخته‌اند.

مسئله مهمی که باید به آن توجه شود و به‌نوعی فرامتن این پیام به شمار می‌رود، ضرورت تقویت بینش اجتماعی در تمام سطوح حوزه علمیه است. اگر بینش اجتماعی در نهاد حوزه علمیه ایجاد، تقویت و ریشه‌دار شود، این نهاد مبارک در سومین گام خویش نیز می‌تواند پیشرو و سرآمد انقلاب اسلامی در وصول به هدف خویش یعنی تمدن نوین اسلامی باشد. تمدن نوینی که در مقابل تمدن غرب به نفی «نسبی‌گرایی» و در نظر و «فردگرایی» در عمل پرداخت؛ چراکه اگر بینش اجتماعی و به تبع آن دغدغه امر اجتماعی در حوزه مورد غفلت واقع شود، به معنای ایستایی تمدن مقابل در ساخت فرهنگ و هویت جامعه نیست. تمدن مقابل با رویکردی فعال در عرصه‌های مختلف مشغول برنامه‌ریزی و اقدام بوده و اگر از این طرف حرکتی صورت نگیرد، اثرگذاری جریان مقابل بیش‌از پیش خواهد بود. حال چگونگی می‌توان بینش اجتماعی را در حوزه تقویت کرد. آیا می‌توان مسیری را ترسیم کرد تا از رهگذر آن، هدف مذکور محقق شود. در پاسخ باید به این مسئله اشاره کرد که بینش اجتماعی امری دفاعی و نگاهپشتی و نه‌نمی‌توان با اقدامات کوتاه به این نیاز مهم پاسخ اساسی داد؛ چراکه بینش اجتماعی پیوند وثیقی با لایه ادراکی انسان داشته و نگرش انسان امری تغییر پذیر آن هم با سرعتی چشم‌گیر نیست.

یکی از راهکارها را در متن پیام می‌توان جست. تأکید رهبر معظم انقلاب بر مسئله تبلیغ می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت بینش اجتماعی باشد. البته تبلیغ زمانی می‌تواند این امر را محقق کند که روحانیت صرفاً در مقام تبلیغ و ارائه پیام نباشد، بلکه با پیوندی که از طریق انس حاصل می‌شود، به درک و احساسی مشترک میان خود و توده مردم رسیده و خود را مکلف به حل آن بدانند. همین مسئله زمینه را برای دغدغه‌مندی طلاب و روحانیون در مسائل اجتماعی فراهم می‌کند. بنابراین کارکرد تبلیغ علاوهبر ایجاد پیام دین به توده جامعه است، بستری برای فهم

جهان اسلام منتظر صدای حقیقی اسلام است؛ حوزه باید برخیزد...

تبلیغ بین‌المللی، نه یک‌گزینه؛ یک وظیفه!

باید به‌واسطه «توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشورهای اسلامی، با تحول اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند.»^{۱۴}

البته توجه به تبلیغ بین‌الملل در دوران معاصر به زمان زعامت آیت‌الله‌بروجردی(ره) بازمی‌گردد که در آن زمان حوزه علمیه قم مدبل به «قله علمی و تحقیقی و تبلیغی تشیع در سراسر جهان شد.»^{۱۵} در دورانی که خیلی از افراد خواندن زبان انگلیسی را «مستعجب» و خروج از «زی طلیگی» تلقی می‌کردند، ایشان با تشویق طلاب مستعد آنان را در تابستان به تهران و مدرسه علوی می‌فرستادند تا به معلومات جدید و زبان خارجی مجهز بشوند؛ چراکه انظار ایشان طلاب باید برای تبلیغ به خارج از کشور بروند و شرط لازم این آشنایی با علوم جدید و یادگیری زبان خارجی بود.^{۱۶} آیت‌الله‌بروجردی برای گسترش و پیشبرد تبلیغ بین‌الملل، در مصر، مکه، مدینه و آفریقا نماینده داشتند. همچنین مرکز اسلامی هامبورگ را تأسیس کردند که آقایان محقق، محمدی‌گیلانی و شهیدبهشتی مسئولیت آن را برعهده گرفتند.^{۱۷} شاگرد برجسته ایشان یعنی حضرت امام(ره) نیز با توصیف «وضع خاص» حوزه در دوران قدیم، یادگیری زبانی در آن دوران را از نگاه حوزویان معادل «کفر مطلق» بیان کرده و یادگیری زبان خارجی برای تبلیغ اسلام را «پیش قدم بزرگ» به‌شمار می‌آورد.^{۱۸} از طرف دیگر ایشان سعی داشتند از طریق ارتباط با مراکز علمی مهم جهان اسلامی در آن دوران از جمله «جامعه الازهر مصر» و «دارالتربیع» و «مسو عقاهم» های شکل گرفته شده در میان فرق مختلف اسلامی را برطرف کرده و زمینه وحدت میان مسلمانان را ایجاد کنند.

همچنین آیت‌الله‌بروجردی به تقریب میان فرق اسلامی، به مسئله گفت‌وگوی میان ادیان نیز اهتمام می‌ورزیدند. برحوم آیت‌الله صافی‌گلپایگانی در این زمینه می‌فرمایند:

«استاد ما آیت‌الله‌بروجردی بارها بر این نکته تأکید داشتند که باید با ادیان الهی دیگر ارتباط داشت و در ضمن این ارتباط‌ها، هدایت‌های قرآن و اهل بیت(ع) را با دلیل متقن برای آن‌ها بیان کرد.»^{۱۹}

نمی‌گوییم محال اما...

رهبر معظم انقلاب نیز با عنایت به این مسائل و افزایش روزافزون حجم و تصور علمی و گسترش اسقام شیوه‌ها و ابزارهای پرکنند پیام، بر عبور از نوع نگاهی که «تبلیغ را در مرتبه دوم حوزه‌های علمیه» می‌داند، تأکید کردند و معتقدند که تبلیغ در دوران ما «اهمیت مضاعفی» دارد، چون در این دوره حاکمیت اسلامی رخ داده است که «در طول بیش از هزار سال از صدر اسلام چنین اتفاقی نیفتاده بود.»^{۲۰}

همچنین اهدافی همچون «تشکیل نظام اسلامی»، «اقامه و اشاعه معروف»، «ازاله منکر» و... «جز باتبلیغ» قابل تحقق نمی‌باشد.^{۲۱} آیت‌الله خامنه‌ای شرایط فعلی را به یک «میدان جنگ تبلیغاتی» تشبیه می‌کنند که درنهایت و برای مقابله با تهاجمات فرهنگی دشمن، «اسلام به میدان می‌آید و پدر همشان را درمی‌آورد. اما به چه قیمتی؟!»^{۲۲} از نظر ایشان گوناگونی راه‌های تبلیغ می‌تواند آن «سیلی آبی باشد که اگر اسلام بخورد تا سال‌های متمادی اثرش روی او باقی خواهد ماند» و اگرچه جریان این عارضه «محال» نبوده، ولی به‌آسانی نیز ممکن نیست و ما را مبتلای به «استحاله فرهنگی» می‌کند.^{۲۳} البته باید توجه داشت که تبلیغ «صرفاً گفتن و نوشتن نیست؛ تبلیغ رساندن است.»^{۲۴} این رساندن لوازمی دارد که باید نسبت به آن ملتفت بود از جمله: «شناخت مخاطب»^{۲۵}، «بسرور بودن تبلیغ»^{۲۶}، «روحیه جهادی»^{۲۷}، «توانمندی علمی و عمل به گفته‌های خود»^{۲۸}، «استفاده از هنر»^{۲۹} و... است. همچنین نباید «دفع و رفع شبهه‌ها، دستگاه تبلیغ را از تهاجم به مسلمات فرهنگ انحرافی رایج در جهان به غفلت بکشاند»^{۳۰}؛ چراکه در موضوعاتی همچون «حقوق بشر»^{۳۱}، «حقوق زنان»^{۳۲} و... ما در موضع طلبکار از تمدن غربی قرار داریم.

راه‌حل چیست؟!

رهبری مهم‌ترین کمبود امروز کشور را «پیگیری» معرفی می‌کنند.^{۳۵} بنابراین باید برای پیگیری مسئله تبلیغ یک نهاد ایجاد شده با مسئولیت این کار به نهادهای

مسائل جدید و نوظهور پدیدآمده در اجتماع است که اگر با این دید به آن نگاه شود، حکم میدانی را پیدا می‌کند که برای طلاب و روحانیون وسعت نظر ایجاد می‌کند. وسعت نظری که موجب تقویت بینش اجتماعی شده و زمینه را برای ارائه

پرش‌های جدید به متون دینی فراهم می‌کند.

یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی، تلازم و ارتباط با دستگاه‌های فعال در عرصه حکمرانی است. پیوند و تراطی با این جنس نهادها اگر به‌صورت فعال و مستمر باشد، زمینه را برای درک بهتر مسائل اجتماعی فراهم کرده و در تقویت بینش اجتماعی مؤثر است. برای نمونه نهاد شورای نگهبان نمونه بسیار مناسبی برای ارائه مدل پیوند نهاد حوزه با دستگاه حکمرانی است. پیوند دائم و مستمر فقهای شورای نگهبان با مسائل مبتلابه نظام اسلامی و بهره‌گیری از دانش حوزوی در تحلیل و حل آن‌ها بستر مناسبی برای تقویت بینش اجتماعی فقهای فعال در شورای نگهبان فراهم می‌کند. حال اگر این ارتباط محدود گسترش یابد و در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بروز پیدا کند، زمینه را برای درک بهتر مسائل اجتماعی فراهم می‌کند. ممکن است اشکالی مطرح شود که صرف اطلاع از مسائل و چالش‌های نظام اسلامی در تقویت این بینش و دغدغه‌مندی حوزه نسبت به آن کافی است، اما به نظر می‌رسد ارتباط و اتصال مستمر با نهادهای مربوط زمینه را برای ایجاد یک جریان در حوزه علمیه به‌منظور حل این مسائل فراهم می‌کند. ایجاد جریان مذکور در تقویت بینش اجتماعی و ارائه پرسش‌های نوظهور نظام اسلامی به منابع اسلامی مؤثر خواهد بود.

راهکار بعدی که بیشتر از سنخ دانشی به شمار می‌رود، واکاوی و شناخت تاریخ، به‌خصوص تاریخ معاصر (۱۰۰ ساله) ایران است. البته در کنار تاریخ معاصر ایران، شناخت رخداد و وقایعی که در طول تاریخ بیرون از این مرزوپیم نیز اتفاق افتاده نیز دارای اهمیت است. نفس مطالعه تاریخ که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز بوده است،^{۳۶} علاوهبر فرواید آثار و مانند پندآموزی و عبرت‌گیری که از تاریخ دارد، زمینه را برای روشن‌بینی و تقویت بینش اجتماعی فراهم می‌کند. رصد تاریخ و حوادثی که بر این ملت حادث شده، در زمره مباحثی است که نوعی آگاهی اجتماعی را برای طلاب و روحانیون فراهم می‌کند. حتی تعریف درسی ثابت با محوریت واکاوی تاریخ معاصر در میان دروس حوزه علمیه، ظرفیت تقویت بینش اجتماعی و همچنین ایجاد تحرک در ایفای مسئولیت اجتماعی حوزه را فراهم می‌کند.

راهکار بعدی پیوند و انس با متفکران اجتماعی پیش‌تاز در تاریخ معاصر است. متفکرانی که از دست قضا برخی از آن‌ها در همین فضای حوزه پرورش و نمو یافته و یا در زمره بزرگان این نهاد مقدس بوده‌اند. متفکرانی مانند امام خمینی(ره)، علامه طباطبایی، شهید مطهری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مصباح یزدی و... در زمره عالمانی هستند که با ژرف‌نگری در منابع اصیل اسلامی از ظرفیت آن برای پرداختن به مسائل اجتماعی و نوپدید استفاده کرده‌اند. مطالعه آثار این اندیشمندان نه‌تنها رویکردی متفاوت نسبت به فهم کلیات اندیشه اسلامی را فراهم می‌کند، بلکه با بهره‌گیری از مسیر پیوند معارف دینی با مسائل اجتماعی، طلاب و فضایی حوزه می‌توانند اقدام به طرحی روش‌های متقن در جهت حل مسائل اجتماعی کنند.

تعامل و پیوند با نهاد دانشگاه از جهتی می‌تواند به تقویت این بینش اجتماعی کمک کند. ارتباط با بدنه اصلی دانشگاه در قالب تعامل با اساتید و دانشجویان دانشگاه زمینه را برای آشنایی با اندیشه‌های نوین موجود در جهان فراهم می‌کند. این تعامل در وهله اول می‌تواند در رشته‌های مهم علوم انسانی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق، اقتصاد، مدیریت و... ساماندهی شود. علاوهبر این، تعامل

و ارتباط با نهادهایی که میوه و ثمره دانشگاه هستند، می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. برای نمونه تعامل با اندیشکده‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی که در امتداد و با پیوند با دانشگاه‌ها شکل گرفته است زمینه را برای درک بیشتر از مسائل اجتماعی

برای حوزه علمیه فراهم کند.

آخرین راهکار تأسیس نهادها و مراکز پژوهشی وابسته به حوزه علمیه است که مأموریت خود را حل مسائل انقلاب اسلامی تعریف می‌کنند. نفس هدف‌گذاری و طراحی مسیر برای بخشی از طلاب و فضلای حوزه علمیه که منجر به حل مسائل انقلاب اسلامی بشود دارای اهمیت است. طبیعتاً بخشی از جریان علمی فعال در حوزه بایستی به امتداد و تعمیق تراش هزارساله خویش بپردازد؛ چراکه همین تراش پشت‌سوانه تربیت و ساخت علمی – عملی طلایی است که در این نهاد تحصیل می‌کنند. در کنار این جریان، بایستی بخشی از ظرفیت طلاب مستعد در این مسیر به کار گرفته شود. مسئله محوری و دغدغه حل مسائل اجتماعی که از رهگذر حضور در این مراکز شکل می‌گیرد، زمینه را برای تقویت بینش اجتماعی بدنه حوزه علمیه نیز فراهم می‌کند.

حوزه علمیه، نهادی است که میراث‌دار حرکت انبیا است. انبیای الهی همواره پیش‌تازان و سرآمدان تاریخ و جامعه خویش بوده‌اند. تقویت بینش اجتماعی در حوزه علمیه، زمینه را برای تراطی این نهاد با امر اجتماعی و سساخت جامعه فراهم می‌کند. در شسراطیی که تمدن غرب با رویکرد خاص خویش به جامعه‌پردازی مشغول است، حوزه علمیه بایستی با تمام ظرفیت خود به این عرصه وارد شود؛ چراکه غایت نهایی حوزه همانند غایت انبیا انسان‌سازی است، انسان‌سازی نیز از رهگذر جامعه‌سازی می‌گذرد. بنابراین اگر توان و ظرفیت حوزه در خدمت ساخت جامعه قرار نگیرد، هدف نهایی این نهاد که انسان‌سازی است نیز محقق نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم- ۱۳۰۴/۰۲/۱۷
- نسبت‌سنجی پیام تاریخی رهبر معظم انقلاب با منشور روحانیت امام خمینی(ره) نگاشت مجزایی را می‌طلبد و مجال پرداختن به آن در این نگاشت نیست.
- پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم- ۱۳۰۴/۰۲/۱۷
- relativism
- Individualism
- آیه معروفی در عهد جدید به مسیحیان سفارش می‌کند که «مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا» (انجیل متی، ۲۱ الی ۲۲ به نقل از کتاب ایمان و قدرت، دین و سیاست در خاورمیانه از برنارد لویس)
- أَفَرَأَيْتَ نِ الْإِنْسَ أَنِ اخَذَ إِلَهُهُ هَوَاً- سوره مبارکه جاثیه/ ۲۳
- وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهََ الْوَاحِدَ الْجَلِيلَ الْعَلِيعُ- سوره مبارکه نحل/ آیه ۳۶
- اشاره به روایت شریف «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (کافی، ج ۱: ۳۲).
- پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم- ۱۳۰۴/۰۲/۱۷
- همان
- همان
- همان
- بیانات در دیدار افشار مختلف مرد ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

فرهنگ و ارتباطات اسلامی و... به این مسائل، حرکت فعلاانه آنان برای رساندن این نظرات و آشنایی با عرصه اجرا، می‌تواند به تدقیق نظرات و اجتهادات آنان کمک شایانی کند. از سوی دیگر این کار خودش مصداق عمل به علم باشد

خدای ناکرده مشمول این سخن امام علی(ع) نشوند که «اهل آتش از بوی بسد عالم بی‌عمل آزار می‌بینند.»^۱ اگر امروز حوزه‌های علمیه در میدان جهانی تبلیغ دینی غایب باشند، دیگران تفسیر خود را از اسلام به دنیا ارائه خواهند کرد و این یعنی عقب‌ماندگی از رسالتی که بر دوش دارند...

پاورقی

- ۱- بیانات ۱۰ خرداد ۱۳۶۹
- ۲- بیانات ۱۲ آبان ۱۳۸۰
- ۳- بیانات ۲۹ خرداد ۱۳۷۹
- ۴- بیانات ۰۴ تیر ۱۳۶۸
- ۵- بیانات ۲۰ آبان ۱۳۶۸
- ۶- بیانات ۱۹ تیر ۱۳۶۸
- ۷- بیانات ۱۰ خرداد ۱۳۶۹
- ۸- بیانات ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
- ۹- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به بخش «آیت‌الله‌بروجردی و احیای حوزه قم» از کتاب «خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، غلامرضا خواجهمسروی
- ۱۰- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به «چشم‌چراغ مرجعیت: مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله‌بروجردی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مجتبی احمدی و دیگران.
- ۱۱- بیانات ۰۲ شهریور ۱۳۶۲
- ۱۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله «بازشناسی رویکردی تبلیغات حوزوی (داخلی و بین‌المللی) در عصر آیت‌الله‌بروجردی (۱۳۴۰-۱۳۲۵ش)»، مرتضی غریسبان، دوفصلنامه علمی- تخصصی تبلیغ اسلامی، سال چهارم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲.
- ۱۳- بیانات ۲۱ تیر ۱۴۰۲
- ۱۴- بیانات ۰۹ خرداد ۱۳۷۳
- ۱۵- بیانات ۲۱ تیر ۱۴۰۲
- ۱۶- بیانات ۱۸ اسفند ۱۳۷۵
- ۱۷- بیانات ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
- ۱۸- بیانات ۰۵ اسفند ۱۳۷۰
- ۱۹- بیانات ۲۱ تیر ۱۴۰۲
- ۲۰- بیانات ۲۹ تیر ۱۳۸۸
- ۲۱- بیانات ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۹
- ۲۲- بیانات ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
- ۲۳- بیانات ۱۴ آذر ۱۳۸۶
- ۲۴- بیانات ۰۱ خرداد ۱۳۹۰
- ۲۵- بیانات ۲۶ فروردین ۱۴۰۳
- ۲۶- بیانات ۲۱ تیر ۱۴۰۲
- ۲۷- بیانات ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵
- ۲۸- بیانات ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
- ۲۹- نهج البلاغه خطبه ۱۰۸
- ۳۰- حوزوره و روحانیت صفحه ۱۴۹۰، آیت‌الله خامنه‌ای، موسسه انقلاب اسلامی.
- ۳۱- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): أَهْلُ الْكُفْرِ لَا يَتَذَوَّنُونَ مِنْ عِلْمِ الْعَالِمِ الْكَافِرِ لِعِلْمِهِ الْكَافِي، ج ۱، صفحه ۴۴

فرهنگیگان

سازمان

منابع

- یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
- شماره ۴۴۴
- FARHIKHTEGANDAILY.COM
- FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان

فرهنگیگان